

کیهان

ساده‌یستی ارزش و فضیلتی والا و در مقابل، اسراف و تجمل و اشرافی‌گری اموری نگوئیده و منع شده هستند. زندگی ساده و کمتر به‌بردن از جلوه‌های دنیا و غرق نشدن در مادیات، موجب راحتی و سربلندی در دنیا و آخرت است و گرایش به ساده‌یستی، که ارزش متعالی و پرافتخار برای همه و ویژه برای مسئولان و کارگزاران محسوب می‌شود. همه باید مراقبت کنند تا از ساده‌یستی فاصله نگیرند و زرق و برق دنیا فریفته‌شان نکند.

معمولاً میان ساده‌یستی با ریاضت کشیدن، پشت پا زدن به

دنیا و انزواگرائی خلط میبشود زیادی صورت می گیرد.

ساده‌یساندنیستی

رهبر معظم انقلاب ساده‌یستی را زندگی ساده و کمتر بهره بردن از جلوه‌های می‌داند و چنین به شباهت و خلط میباحث آن پاسخ می‌دهد:

«عزیز من، یکی از شعارهای ما قبل از پیروزی انقلاب- نه شعارهای انقلاب، شعارهای دوستانه خودمان در مجموعه رفافتی و مجموعه‌هایی که ما بهم بودیم، با هم فکر می‌کردیم و کار و مبارزه می‌کردیم- «ساده زستی» بود، زندگی ساده و کمتر بهره بردن از جلوه‌های دنیا بعد که انقلاب پیروز شد، سعی کردیم باز هم همین روش، همین شعار و همین مینا را دنبال کنیم.

امام بزرگوار ما خودش مظهر همین معنا بود؛ آدمی بود که تعسّفات دنیوی، حقیقتاً برایش ارزش نداشت. آدم این را در آن مرد معنوی و بزرگوار می‌دید که تعیّبات، تعلّقات و تکلفات دنیوی، اصلاً برای خودش ارزش نداشت؛ شما که بحمدالله روشنگر و آگاه و فهمیده هستید، احتیاج نمی‌بینم که اینجا را توضیح بدهم. این که دارم می‌گویم، منظور بهره‌مندی شخصی است؛ معنایش این نیست که کشور، کار آبادانی و عمران نکند و دنیا را آباد نکند. اینجا همیشه، تخلیه‌ها و شبه‌افکنی‌های مخالفان اسلام بوده، می‌گفتند

عمده‌ترین راهکارهای مبارزه با

اسراف و تجمل و اشرافی‌گری برای مسئولان عبارتند از: اسراف بیشتر قرار دادن معصومان(ع) در ساده‌زیستی و اندازه نگه داشتن در تمامی امور زندگی؛ حد نگه داشتن در مورد تغییر دکوراسیون‌ها، تغییر خانه‌ها و خرج‌های اضافی؛ پرهیز از هزینه کردن بیت‌المال در امور شخصی و غیرضروری؛ دل نبستن به پول، تشریفات، جاه و جلال و صدارزش دانستنِ اشرافی‌گری و گرایش به آن.

که اسلام با دنیا مخالف است؛ یعنی دنیا را آباد نکنیم!، نه! اندنیای که گفته می‌شود، دنیای شخصی است؛ یعنی خود شما دنبال تکلیف زندگی دنیایی نیابید و زندگی را ساده بگذرانید. معنایش این است. امیرالمؤمنین(ع)، بخیراً ابدلانه‌ترین زندگی‌ها را داشت؛ اما در عین حال، مرتب هم کار می‌کرد، مزرعه را آباد و چاه آب جاری می‌کرد، چاهی می‌کرد و کشور را اداره می‌کرد، حکومت به آن عظمت را ریاست می‌کرد؛ سیاست‌گذاری و سیاستمداری می‌کرد.

غرض از مر، ما دلد و دل سیردن به دنیاست که البته مقدار زیادی از مشکلات ما ناشی از این مسئله است! ما مسئول دولتی و حکومتی، یا من روحانی، باید مواظب باشم- بخصوص ما ذو صنف، خصوصیتش را می‌دانم- و یک وقت گفتند: «ای به حال آن کسانی که هر دو هستند، هم مسئول حکومتی، هم روحانی- اینجا مشکلاتش بیشتر و تکلیفشان سنگین‌تر است! توقع مردم، بجا و بحق از آنها بیشتر است! خدا متعال هم آنها را خیلی بیشتر مورد سؤال قرار خواهد داد، چون اثر عملشان هم بیشتر است! ما باید بیشتر مواظب باشیم، دیگران هم باید مواظب باشند، شما هم که دانشجوید، یا استادی، باید مواظب باشید، شما هم که رئیسید، باید مواظب باشید؛ همه باید مواظب باشند که به دام تکلفات و تعیّبات زندگی نیفتند و در اشرافی‌گری و اینجا غرق نشوند. زینت دنیا را به قدری که خدای متعال قرار داده و می‌بایست، برای همه کن بخوانند. البته الهام و البتون زینة الحیوة الدنیا»، هیچ ایرادی ندارد. نه مال ایراد دارد، نه فرزان ایراد دارد، نه مقام و اینجا لیکن غرق نشدن در اینها، عمده کردن و هدف قرار دادن اینها و خود را در تکلفات و تعیّبات و تنصیر کردن است که آسیب می‌زند.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش اسبب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵)

همان گونه که ملاخذه نمی‌شود رهبر انقلاب در پی دنیا بودن

و آباد کردن دنیا را مذمت نمی‌کند بلکه غرق شدن در مادیات را رد و نکوهش می‌نماید.

دلبستگی به دنیا و مادیات، نقطه مقابل ساده‌زیستی

دلبستگی به دنیا و مادیات از جمله مقوله‌هایی است که با ساده‌یستی منافات دارد. گاهی ممکن است کسی فقیر هم باشد و دارای‌های اندکی داشته باشد اما دلبستگی زیادی به مادیات داشته و سببسته پول و مال و مایه و مایه را به دسترسایی به آن هر کاری که کند، که این نوع نگرش مذموم است و با ساده‌یستی منافات دارد. در مقابل، اشخاصی هستند که زندگی و امکاناتشان در سطح معقول و متناسب با معیشتان است و حتی تمکّن مالی هم دارند اما دلبستگی به آن ندارند به‌عنوان مثال در دوران قدس مقدس بسیار مشاهده کردیم که هموطنانمان زندگی و جاذبه‌های مادی را رها

شبهه: آیا قرض گرفتن آداب و شرایطی دارد یا می‌توان در همه شرایط قرض گرفت؟ دیدگاه دین در مورد قرض گرفتن چیست؟

پاسخ: قرض‌الحسنه یکی از توصیه‌های زیبای اسلام است که درصدد است بین مردم رواج پیدا کند و برای آن آثار و جایگاه بلندی ترسیم کرده است؛ اما سوّالی که در این‌جا مطرح است آیا توصیه‌ای اسلام برای رواج دادن سنت قرض‌الحسنه در جامعه به این معنی است که اسلام ما به قرض دادن توصیه می‌کند و هم به قرض گرفتن؟ در این‌باره برای روشن شدن موضوع نکاتی بیان می‌شود:

الف) کراهت قرض گرفتن

اگرچه اسلام توصیه‌های بسیاری به قرض دادن و مهلت دادن به انسان مقروض و مدارا کردن با او موقع طلب بدهی می‌کند اما به عموم مسلمانان توصیه به قرض گرفتن نمی‌نماید و قرض گرفتن را از مکروهات می‌شمارد و برای قرض گرفتن آثار و نتایج مضر منفی زیادی می‌شمارد. در مجموع در فرهنگ قرآن و اهل بیت سفارش به قرض دادن به نیازمندان فراوان می‌شود اما از قرض گرفتن پرهیز نهاده می‌شود.

ب) آثار قرض گرفتن

در روایات اهل بیت(ع) برای قرض گرفتن آثارمنفی متعددی شمرده شده است که عبارتند از:

۱. ذلت و خواری:

به دنبال آثار قرض گرفتن خفت و خواری است که برای انسان دارد. یکی از چهره‌های بارز اسلام باید به دیگران برای پرداخت آن یا ضمانت او ـ لو بر بزند و چه بسا از تعدادی نه بشود تا اینکه یک نفر راضی شود.

بعد هم تا وقتی که قرض خود را نبرداخته هر وقت با آنها

روبه‌رو می‌شود معمولاً باید مجالت بکشد و احساس دین کند. از این رو پیام خدا (صلی‌الله علیه و آله) فرمودند: یاکُم والذّین، فأنّهم یُعالِلُ یَالیلٍ وذلّ بالظنّهار، را وام گرفتن بپرهیزد، که آن غشه شب و خواری روز است.(۱)

کرده، به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافتند و جان پر کفاته با دشمن جنگیدند و به تعبیر امام خمینی ره صدساله را یکشبه رفتند و به واسطهٔ اعتقائشان از مظاهر مادی آنچه عارفان و سالکان طی سالیان نامتناهی با مشقت و ریاضت فراوان به آن دست یافتند، اینان یک شبه به آن دستاوردها رسیدند.

آنچه تا به این‌جا گفته شد در مورد ارزش و اهمیت ساده‌زیستی بود، حال خوب است در مورد ضد ارزش بودن اسراف و تجمل و اشرافی‌گری و ضرورت مبارزه با آن هم سخن بگوییم.

نایسند بودن ریخت‌پاش

ریخت‌پاش امری نگوئیده و نایسند است. رهبر معظم انقلاب در این‌باره می‌فرماید: «بعضی افراد، پولدارند و درآمدی ان‌شاءالله از راه‌حلال دارند- آنها که از راه حرام کسب درآمد کنند که وضعشان بدتر است- اینجا هم اگر در خرج کردن و وضع زندگی و توجیه بپهوده و بی‌جا و اعیان منشی، ریخت و پاش و اسراف کنند، بی‌اضیاطی مالی و اقتصادی انجام داده‌اند. این کارها اسمش ریخت‌پاش است.» (پیام نوروزی به مناسبت سال حلال جدید، به تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۱)

اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی آفت بزرگ مردم و مسئولان

مردود بودن اسراف و تجمل از منظر عقل و دین

اسراف و تجملات و اشرافی‌گری از منظر عقل و دین مردود و محکوم است. رهبر انقلاب در این خصوص می‌فرماید:

«در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت می‌گیرد. تجمل گرایی‌ها چشم و هم‌چشمی‌ها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، چول خانواده، چیزهای غیر لازم خریدن؛ اینجا از موارد اسراف است. وسائل تجملات، وسائل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه؛ اینجا چیزهایی است که ما برای آنها پول صرف می‌کنیم. پولی که می‌تواند در تولید مصرف نشود، سرمایه‌گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقر کمک نکند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف می‌کنیم به این چیزهای ناشی‌شده از هوس، چشم و هم‌چشمی، ابروداری‌های خیالی، مسافرت می‌روند، می‌آیند، میهمانی درست می‌کنند- گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکانی که رفته‌اند، بیشتر است!- عروسی می‌گیرند، عزا می‌گیرند، هزینه‌ای که برای این میهمانی‌ها مصرف می‌کنند، هزینه‌های گرانی است؛ انواع غذاها چرا؟ چه ریش است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محرومند. باید یکمک کنیم کشور پیش برود. نمی‌گویم پول را بردارید بربود حتماً اتفاق کنید- البته اگر انسان اتفاق بکند، بهترین کار است- اما حتی اگر اتفاق هم نکند، همین پولی که صرف این تجملات می‌شود، در تولید برای خودش به کار بیندازند، در کارخاجات سهیم شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است. ما به جای این کارها میهمانی درست می‌کنیم، عزا درست می‌کنیم، هی رخت و پر و روزه‌بردن دگرگون برای خودمان درست می‌کنیم، چرا؟ چه لزومی دارد؟ عقلای عالم این کار را نمی‌کنند! این فقط سخن دین نیست قرآن می‌فرماید: «و لاتسرفوا الله لانه لایحب المسرفین»(اعراف/۲۷)، بخورید، بیاشامید، اما زیاده‌روی نکنید در آیه شریفه دیگر: «کُلُوا من ثمره انا انعم و اتقا حرمه فیه حصاده و لاتسرفوا الله لایحب المسرفین»(انعام/۱۴۱)

خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. ما بندگان خدا هستیم. اینجا حرف دین است و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد. در روایت دارد که کسی میوه‌ای را از خورد و نیمی از میوه ماند، آن را ردیف انداخت و (امم) می‌گوید زده که انبیه زد که انبیه کردی؛ چرا انداختی؟ در روایات ما هست که از دانه خرما استفاده کنید. تا این حد!

ریخت‌پاش امری نگوئیده و نایسند است. رهبر معظم انقلاب در این‌باره می‌فرماید: «بعضی افراد، پولدارند و درآمدی ان‌شاءالله از راه‌حلال دارند – آنها که از راه حرام کسب درآمد کنند که وضعشان بدتر است– اینجا هم اگر در خرج کردن و وضع زندگی و تجملات بیهوده و بی‌جا و اعیان منشی، ریخت و پاش و اسراف کنند، بی‌اضیاطی مالی و اقتصادی انجام داده‌اند. این کارها اسمش ریخت و پاش است.

خدا می‌تواند از استفاده کنید. آن وقت در هتل‌ها میهمانی درست کنند و به یک عداوی میهمانی بدهند؛ بعد هر چه که غذا خند، به بهانه اینکه بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند! این مناسب نیست که جامعه بهداشتی باشد، در این‌چوری می‌شود به عدالت رسید؟» (بیانات دراجتماع بزرگ زاران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، به تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۸)

ارزش تلقین شدن مادیات، نتیجه اشرافی‌گری

اگر اشرافی‌گری در جامعه‌ای رواج پیدا کند کمک ارزش‌ها را به‌ضارزش و ضارزش‌ها را به ارزش تبدیل می‌شوند و ارزش تلقی شدن مادیات و کارزار تلقی شدن معنویات و شخصیت‌انسانها در جامعه‌جا می‌افتد. اما خمینی در این مورد هشدار داده و می‌فرماید: «ارزش‌ها در دنیا به حسب مکتب‌ها و به حسب دیدها مختلف است. ما مطالعه مکتب‌هایی که در دنیااست و مسلک‌هایی که در دنیااست، می‌توانیم بفهمیم که ارزش‌ها در مکتب‌ها اختلاف دارد و در ایده‌ها هم اختلاف دارد. شما اگر قطع نظر کنید از مکتب‌های توحیدی و انباشتن سرمایه‌ها و پر کردن بانکها یا تاجارخانه‌ها از اموال، از هر

الهی و به مکتب‌های مادی و به ایده‌هایی که دنبال مادیات هستند مراجعه کنید و مطالعه در آن بکنید، می‌بینید که این دو مکتب متقابل با هم و مختلف هم هستند. مکتب الهیین و موحدین ارزش‌هایش یک چیزهایی است، یک عنوانی است و مکتب‌های مادیگری، چه مادیگری کمونیستی و چه مادیگری سرمایه داری و بالاخره، تمام مکتب‌هایی که ماورای مکتب الهی است، ارزش‌ها با هم فرق دارد.

اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی آفت بزرگ مردم و مسئولان



و تازی و امثال اینها باشند، آن مبدأ ارزش، ارزشش از این شخص بیشتر است. اگر اسب مبدأ ارزش یک انسان شد، آن اسب ارزشش از انسان بیشتر است؛ برای اینکه او ارزش به انسان داده، اگر فرش قالی و تجملات و بزک کردن و مو خطور کردن و مد را از اطراف آوردن، این ارزش یک انسان را زیاد می‌کند. آنها ارزششان بیشتر از این است؛ برای اینکه آنها مبدأ ارزش هستند.

انسان خودش ارزش ندارد، ارزشش به گلداری است، گاوها ارزششان بیشتر از خود انسان است؛ ارزششان به پارک داری است، ارزششان به فرش داری است؛ ارزششان به امثال این مسائل است. موری ووری عقلی، اگر مبدأ اثر یک جایی باشد و به واسطه آن مبدأ اثر، این آدم یا این شیء، ارزش پیدا کند، آن مبدأ اثر ارزشش بیشتر است، نقل می‌شود که یک عارف مسلکی وارد شده بود به منزل یک امیر، یک سلطان یا یک امیر و دیده بود که مجلس آله! همه چیز مزین است، همه چیز هست.

در این بین، اگر مذهب می‌خواست بیندازد، نگاه کرد به اطراف و آب و دناش را روی صورت آن امیر انداخت. امیر اعتراض کرد که چرا؟ گفت: من هر گناه که کردم، کثیفتر از صورت تو در اینجا نیافتم. شما اگر آن ورق را ببینید، انسان اگر آن صفحه دوم عالم را ببیند در آنجا ببیند که اینهایی که ارزششان را به این مسائل می‌دانند، آن وقت می‌بینید که در صورت، آنها آن قدر مشغوبه است! و صورت انسانی هم نیست، یک صورت دیگری است، تا ببینی سگباز است و همه دلش را به سگ داده است، صورت سگ است.» (صحیفه امام، ج ۱۷، صص: ۱۸۲ تا ۱۸۵)

اصل تجمل همراه با اسراف و همراه با زیاده‌روی بد است اما

این امر در مورد مسئولان، ضرر و زشتی و خسارت بیشتری دارد.

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

دلبستگی به دنیا و مادیات از جمله مقوله‌هایی است که با ساده‌زیستی منافات دارد. گاهی ممکن است کسی فقیر هم باشد و دارای‌های اندکی داشته باشد اما دلبستگی زیادی به مادیات داشته، شیفته پول و مال و مثال بوده و برای دستیابی به آن هر کاری بکند که این نوع نگرش مذموم است و با ساده‌زیستی منافات دارد. در مقابل، اشخاصی هستند که زندگی و امکاناتشان در سطح معقول و متناسب با معیشتشان است و حتی تمکّن مالی هم دارند اما دلبستگی به آن ندارند.

راهی باشد. وقتی در قشر توده‌های مردم نگاه می‌کردی، در بین زن و مرد آدرا هر دو طایفه، ارزش به لباس بود و به طرز پوشیدن لباس و دوختن لباس و آرایش هر که بهتر لباس می‌پوشید و شیک‌تر بود در لباس، ارزشش پیش مردم بیشتر بود و هر زنی که آرایشش به طرز اروپایی بود و لباسش از آنجا الهام می‌گرفت، این پیش زنها هم ارزشش زیادت‌ر بود، البته پیش اکثر. ارزش‌ها همه به امور مادی بود، وقتی بنا نباشد که ارزش انسان به اسب و الاغ و سگ

یک وقت هست که ما در زندگی شخصی خود اقدامات اشراف‌گونه‌ای انجام می‌دهیم و هر چه هم بشود بین خودمان و خدایت که اگر حرام باشد، حرام است؛ اگر مکروه باشد، مکروه است. اگر مباح باشد، مباح است؛ اما یک وقت هست که مسئولان جلوی چشم مردم یک مایور اشرافیگری می‌دهند. به اعتقاد رهبر انقلاب این رویکرد دیگر مایور و مکروه ندارد؛ همایش حرام است؛ به‌خاطر اینکه تعلیم‌هشده اشرافی‌گری است. (رجوع کنید به:بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۰/۰۹/۲۸)

وقتی مسئولی جلوی چشم مردم، وضع اتاق و دفتر و محیط کار و محیط زندگی را ارتجایی می‌کند، این یک درس عملی است و روی مردم اثر سوء می‌گذارد. از جمله افت‌هایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می‌کند، نمود اشرافیگری در مسئولان بالای کشور است.

اشرافیگری مسئولان دو عیب دارد: عیب نخست اسراف است که دست‌آمده است- را هم شامل می‌شود، اما عیب دوم که فاجعه‌آمیز است عبارت است از فرهنگ‌سازی برای رواج اشرافی‌گری در مردم. تجمل‌پرستی و وجود زرق و برق در زندگی مسئولان وقتی به بیرون منعکس شود، فرهنگ می‌سازد و یک عده نوکیسه و تازه به دوران رسیده را به هر خرچا و تجلّی‌بازی زیادی تشویق می‌کند. این قشر وقتی می‌بینند مسئولان در مسیر اسراف و تجمل حرکت می‌کنند؛ آن وقت از مسئولان هم منتذری می‌شوند؛ چون به هر حال مسئولان ملاحظاتی دارند که سایرین ندارند.

مضرات اسراف و تجمل و اشرافی‌گری
اسراف و تجمل و اشرافی‌گری، زیانها و مضرات مبدیه و فوق-العاده خسارت‌باری برای مردم و مسئولان دربر دارد.

از مهم‌ترین مضرات آن برای مردم می‌توان مختل کردن زندگی دیگران را لحاظ روانی، عدم همدردی با محرومان و عدم استفاده از پول در موارد صحیح و از جمله مهم‌ترین مضرات آن برای مسئولان می‌توان عدم تحقق عدالت اجتماعی و روحیه برادری و همدلی، کند کردن روند حرکت به سمت عدالت، خسارت به بیت‌المال، فرهنگ‌سازی منفی و تشویق عوام به ریخت و پاش را نام برد.

راهکارهای مبارزه با اسراف و تجمل و اشرافی‌گری
خوشبختانه برای مبارزه با اسراف و تجمل و اشرافی‌گری راهکارهای مؤثر و مفیدی وجود دارد که با عملی کردن آنها می‌توان از این رذایل دوری جست. مهم‌ترین راهکارهای مبارزه با اسراف و تجمل و اشرافی‌گری برای مردم عبارتند از: الگو سازی مسئولان، خرج و مصرف کردن بقدر نیاز و حاجت، کمک به محرومان، اتفاق قناعت و مشارکت در کارهای اقتصادی.

عمده‌ترین راهکارهای مبارزه با اسراف و تجمل و اشرافی‌گری برای مسئولان عبارتند از: سرمشق قرار دادن معصومان(ع) در ساده-زیستی و اندازه نگه داشتن در تمامی امور زندگی؛ حد نگه داشتن در مورد تغییر دکوراسیون‌ها، تغییر خانه‌ها و خرج‌های اضافی؛ پرهیز از هزینه کردن بیت‌المال در امور شخصی و غیرضروری؛ دل نبستن به پول، تشریفات، جاه و جلال و صدارزش دانستن اشرافیگری و گرایش به آن.

ضرورت ضد ارزش دانستن اشرافیگری

ضد ارزش دانستن اشرافیگری و گرایش به آن، بهترین راهکار مبارزه با این پدیده شوم و خائنانه است. همه باید به اشرافی‌گری به دیده یک پدیده زشت و مغفور و ناپسند و نگوئیده نگاه کنند و با تمام توان در جهت اجتناب و دوری از آن تلاش نمایند. در قدیم فرهنگ ضد اشرافی بیشتر وجود داشت.

مثلاً وقتی کسی ازدواج می‌کرد یا کمترین امکانات زندگی در یک اتاق در منزل پدرش سالها زندگی می‌کرد تا بتواند خانه و امکانات برای خود و همسرش تهیه کند، یا بچهدا لباس‌هایشان را چندین سال می‌پوشید و بعد به برادر یا خواهر کوچک‌ترشان که بزرگ می‌شد می‌دادند، خوراک و پوشاک تجملاتی نبود، کسی در پی مبلمان گرانیقیمت و وسائل اضافی نمی‌رفت که البته دلیل آن وضعیت نامناسب اقتصادی نبود؛ نقدینگی بود.

اما الان دیگر کسی لباس پارسلان را نمی‌پوشد حتی اگر سالم هم باشد، در سیاهه‌ای که برای عروس و داماد می‌سازند، اقلامی همچون مبلمان و سرویس چوب، پتخواب پارسی یا ساید، تلویزیون سی اینچ به بالا به چشم می‌خورد که مهم‌ترین دلیل آن افزایش رفاه و تقدینگی به همراه افزایش سطح توقعات و چشم و هم‌چشمی‌ها است. در حال حاضر بسیاری از خانواده‌ها هزینه‌های زیادی را صرف تجملات می‌کنند. اگر مبلغی که برای خرید برخی وسایل تجملاتی مانند موبایل، مبل، مایکروفر، پوشاک گرانیقیمت، وسایل خانه گرانیقیمت و... می‌شود در بسیاری از خانواده‌ها را با هم جمع بزنیم به میلیون‌ها و بلکه میلیارد‌ها تومان می‌رسد. شاید برخی اعنا کنند این وسایل در زندگیشان لازم است اما اگر حتی لازم هم باشد معمولاً خانواده‌ها در تهیه آن وسایل افراط می‌کنند و تسويع گرانیقیمت آنها را تهیه می‌کنند در حالی که این پول‌ها به جای تشریفات زائد می‌تواند صرف اشتغالزایی و کارآفرینی گردد و فرزندانشان را از بی‌کاری و با تکلیفی و تبعات روانی آن نجات دهد. نکته دیگر آنکه فکر شدن در تجملات و اشرافی‌گری موجب غفلت از فقر و نیازمندان می‌شود- با هزینه‌ای که برخی صرف فقربران یا نیازمندان می‌کنند، مشکلات بسیاری از جوانان در ازدواج با تازه ازدواج کرده حل می‌گردد و حتی معراج اضافی برخی خانواده‌ها به تنهایی کافی است تا فقری را از فقر نجات دهد.

لازم است همگی ما در مسیر ساده‌زیستی و مبارزه با اسراف، تجملات و اشرافی‌گری گام برداریم و به این ترتیب موجبات آرامش و آسایش دنیا و آخرت و خشنودی پروردگارمان را فراهم آوریم و فراموش نکنیم که بزرگان دین ما که به مقامات عالی رسیدند؛ همگی ساده‌زیست بودند و پشتد از اشرافی‌گری دوری می‌کردند.

کامران بورعباس

کوتاه می‌کند. از این رو امام صادق(ع)فرمودند: حَقَّقُوا الدِّینَ، فَإِنَّ فِی خَفَةِ الدِّینِ رِزَادَةَ الْعَمْرِ؛ کمتر وام بگیرید که کم قرض داشته، عمر را زیاد می‌کند.(۱)

ج) جواز گرفتن قرض‌های ضروری

باوجودی که در فرهنگ دینی از گرفتن قرض خیلی نپی نهی شده و آن را مکروه دانسته‌اند و برای آن آثار مخرب زیادی شمرده‌اند اما با این حال مردم گرفتار از حرام انجام نکرده‌اند بلکه در مواقعی که ضرورت پیش می‌آید و برای اموری که واقعاً لازم و ضروری است گرفتن وام را جایز شمرده‌اند و حتی در برخی روایات توصیه هم کرده‌اند.

چنان‌که امام کاظم(ع) فرمودند: مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّقِّ بِنِ حِلِّهِ لِيُؤَدَّ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَبِعَالِهِ کَانَ کَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِنَّ غَلَبَ عَلَيْهِ فَلْيُسِّرْهُ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى سِرِّهِ؛ ما بقوت به عیاله، هر که برای تأمین خود و خانواده‌اش در پی کسب این روزی از راه

حلال برآید مانند مجاهد در راه خداست.

اما اگر نتوانست به دست آورد، به امید و ضمانت خدا و رسول او به اندازه غذای خانواده‌اش وام بگیرد.

البته در معنا و مصداق امور ضروری باید دقت کرد، زیرا بسیاری از امور زائد هستند که جزء تشریفات و تجملات می‌باشند که اگر نباشند هم زندگی انسان با مشکل جدی و اساسی مواجه نمی‌شود. اما اثر تبلیغات رسانه‌ها و القابات جامعه جزء ضروریات تلقی شده‌اند که قرض گرفتن برای این گونه امور صحیح نمی‌باشد؛ مانند قرض گرفتن برای بروز کردن و تعویض لوازم منزل یا خرید لوازم لوکس یا غیره.

د) کمک‌های به ادای قرض‌های ضروری
قرض گرفتن در اموری که واقعاً ضروری هستند مانند تأمین نیازهای اولیه و اساسی زندگی نه تنها نهی نشده بلکه سفارش هم شده است.

چنان‌که اهل بیت(ع) که الگوی ما در همه زمینه‌ها هستند گاهی در زندگی خود از دیگران در مواقع ضروری قرض می‌گرفتند.(۲) علاوه بر آن، ایشان بشارت داده‌اند که
